

**دکتر امیر اکبری**

استاد یار گروه تاریخ

دانشگاه آزاد اسلامی بجنورد

Amirakbari84@yahoo.com

## **اهمیت اقتصادی و سیاسی خلیج فارس در تاریخ ایران**

### **چکیده:**

خلیج فارس همواره در تاریخ ایران و سرزمین‌های مجاور نقش مهم و حساسی داشته است. توجه تمامی حکومت‌های ایران از عهد باستان تا کنون به منطقه خلیج فارس به عنوان یک نقطه ارتباط و تلاقی فرهنگ و تمدن ایرانی با سرزمین‌های دیگر، بر اهمیت اقتصادی و سیاسی این منطقه افزوده است. ارتباطات ساسانیان با آفریقا، هند و شرق دور از این منطقه صورت می‌گرفت. مسلمانان یک پایگاه خود را برای فتح ایران، در خلیج فارس قرار دادند. سپس در سده‌های چهارم هجری به بعد، تجارت از این ناحیه عامل انتشار اسلام در شرق دور شد. به دنبال اکتشافات دریایی، خلیج فارس پایگاه مهم پرتغالی‌ها، هلندی‌ها و سپس انگلیسی‌ها گردید. انگلستان خلیج فارس را مهم‌ترین نقطه عملیات نظامی برای حفظ هند می‌دانست. با کشف نفت اهمیت این منطقه برای قدرتهای استعماری چندین برابر گردید. می‌توان به جرأت گفت که هیچ آبراه‌ی، چه در گذشته و چه در حال به لحاظ اهمیت و موقعیت، از خلیج فارس مهم‌تر نبوده است.

### **کلید واژه:**

خلیج فارس، ساسانیان، مسلمانان، استعمار، نفت.

**مقدمه**

موقعیت و اوضاع جغرافیایی خلیج فارس و ارتباط تمدنی این ناحیه با تمدن‌های بین‌النهرین، هند، شرق آسیا، چین و نیز نقش آن در مبادلات تجاری و همچنین تلافی فرهنگ‌ها آنجا را به عنوان یک کانون پرتحول مورد توجه قرار داده است. اهمیت این ناحیه در عهد باستان، رونق و شکوفایی اقتصادی آن را به همراه داشت.

درک این اهمیت، مسلمانان فاتح را برای رونق تجارت و ارتباط با سرزمین‌های دیگر متوجه خلیج فارس ساخت. دریانوردان مسلمان پرچم‌داران و مبلغان اسلام در خاور دور بودند که پایگاه‌های تجاری خود را در بندرگاه‌های بزرگ خلیج فارس قرار دادند. آوازه خلیج فارس در طی قرون متمادی، اروپائیان را متوجه این ناحیه کرد. پرتغال و به دنبال آن هلند و انگلیس هر یک برای خود جای پای در این آب‌های نیلگون بازکردند. انگلیس مهم‌ترین آبراه برای حفظ هند را خلیج فارس می‌دانست. با کشف نفت در منطقه خلیج فارس و درک اهمیت آن در تحولات نظامی و صنعتی، نگاه تمامی قدرت‌های استعماری بیشتر از پیش متوجه خلیج فارس گشت.

اهمیت سیاسی و نظامی خلیج فارس به همراه وجود غنی‌ترین ذخائر نفت و گاز جهان در این ناحیه در دهه‌های اخیر سبب گسترش نفوذ آمریکا در این ناحیه شده است. انقلاب اسلامی ایران و برخورد با سیاست‌های استعماری آمریکا، تحولات سیاسی، نظامی و اقتصادی خاصی را در منطقه رقم زد.

**الف: اهمیت خلیج فارس در عهد باستان**

پیش از حضور آریاها در فلات ایران، آشوریان این دریا را در کتیبه‌های خود نارمرتو (narmarratu) یعنی رود تلخ می‌نامیدند. چنان که شهر بوشهر و حوزه آن را از قدیمی‌ترین مناطق مسکونی حوزه اطراف خلیج فارس بر می‌شمارند.<sup>۱</sup>

استقرار آریاها در مناطق مختلف ایران، نشان می‌دهد که سواحل خلیج فارس نیز از مکانهای مورد توجه آنها بوده است.<sup>۲</sup> ارتباطات دریایی ایرانیان با دنیای عصر خویشت از

خلیج فارس آغاز شد. این دریای ایرانی، گذرگاه و عامل ارتباط دیرینه سه قاره کهن، آسیا، اروپا و آفریقا و هم‌چنین یکی از گذرگاه‌های اولیه ارتباطات بشری به حساب می‌آمد.

با تشکیل امپراطوری بزرگ هخامنشی و تصرف فینیقیه (مردمان دریانورد شرق مدیترانه)، هخامنشیان به ضرورت توسعه نفوذ خویش در دریاها پی بردند. اقدام داریوش بزرگ (۵۲۱-۴۸۶ قبل از میلاد) در ایجاد آبراهی بزرگ برای اتصال دریای سرخ به دریای مدیترانه، اهمیت توجه به دریانوردی را در نظر ایرانیان نشان می‌دهد. در کتیبه‌ای که از داریوش در تنگه سوئز پیدا شده است عبارت: «درایه تیه هچا پارسا آیی تی» (draya tya hacha parsa aity) یعنی دریایی که از پارس می‌رود آمده است. این عبارت تلاش‌های دریانوردی ایرانیان را در منطقه خلیج فارس نشان می‌دهد که خود می‌تواند گواه بر اهمیت و رونق سواحل خلیج فارس در آن ایام باشد. اشاره مورخان جغرافی دانان عهد باستان و نیز ذکر نام سینوس پرسیکوس (sinus persicus) به دریای این ناحیه و هم‌چنین قید دقیق نام خلیج فارس در اولین نقشه جهان متعلق به طالس و نیز نقشه هکتاتوس می‌تواند<sup>۲</sup> نشانگر رونق و آبادانی منطقه جنوبی ایران و وجود ارتباط دریایی این منطقه، با نقاط دیگر جهان باشد.<sup>۴</sup> هرودوت در عهد باستان تصریح می‌کند که در نواحی اطراف خلیج فارس مراکز مهم تجاری وجود داشته و هخامنشیان به این امر توجه خاصی داشته‌اند.<sup>۵</sup>

اسکندر مقدونی نیز بعد از تصرف سرزمین «ایران نئارخوس»، سردار خویش، را مأمور شناسایی رود سند، دریای عمان و سواحل خلیج فارس کرد.<sup>۶</sup> اشکانیان اگر چه زمانی بسیار از حکومت خویش را صرف بیرون راندن سلوکیان از خاک ایران نمودند، اما با انتقال پایتخت خویش به تیسفون و بالاخص افتتاح راه زمینی جاده ابریشم به مسأله گسترش روابط تجاری و بازرگانی از طریق دریا نیز توجه خاص کردند.

با ظهور قدرت بزرگ ساسانی در سال ۲۲۶ میلادی، وضعیت دریانوردی ایرانیان و حضور و تسلط آنان بر خلیج فارس شکل دیگری به خود گرفت. اردشیر در آغازین تلاش‌های خود سواحل خلیج فارس را به تصرف درآورد و یازده شهر در سواحل آن بنا کرد.<sup>۷</sup> ساخت این شهرها و رونق و اعتبار بنادر بزرگ در سواحل خلیج فارس بیشتر از آن

جهت بود تا فعالیت دریایی ساسانیان را به فراسوی ساحل ایران گسترش دهند. توجه ساسانیان به امنیت سواحل خلیج فارس، از اقدام شاپور دوم ساسانی (۳۰۹-۳۷۹ میلادی) در سرکوبی اعراب یاغی به منطقه خلیج فارس کاملاً مشهود است. توسعه دریانوردی ایرانیان در عصر خسرو انوشیروان (۵۳۱-۵۷۹ میلادی) نشان می‌دهد که تمامی سواحل خلیج فارس و بحر عمان تا خلیج عدن و کشور یمن تحت نفوذ و اداره دولت ساسانی قرار داشت.<sup>۸</sup> چنانکه مورخ انگلیسی «سرجمز تننت» در کتاب خود موسوم به «سیلان» آورده است:

«ایرانیان در اوائل قرن ششم، تحت لوای خسرو انوشیروان، موقعیت ممتازی در شرق به دست آوردند. کشتی‌هایشان در بنادر هندوستان رفت و آمد می‌کرد و ناوگانشان در لشکرکشی‌هایی که علیه سیلان به عمل آمد به پیروزی نائل شد. این لشکرکشی بدان خاطر انجام پذیرفت تا رفتار سویی را که نسبت به هم وطنانشان صورت گرفته بود تلافی کنند.»<sup>۹</sup>

نکته قابل توجه در اهمیت خلیج فارس در عهد ساسانی این است که هیچ یک از دریانوردان چینی در این زمان به سوی خلیج فارس نیامدند و بالعکس بیشتر ایرانیان و حبشه‌ای‌ها در آب‌های چین و سیلان به تجارت مشغول بودند. گسترش روابط تجاری ایرانیان با چین سبب شد تا نام پوسیو یا پوسه به کشتی‌هایی که به دهانه دریای چین وارد می‌شدند، اطلاق شود.<sup>۱۰</sup>

ایرانیان ابریشم خام را از چین وارد می‌کردند و بافت و رنگ‌آمیزی آن را خود انجام می‌دادند.<sup>۱۱</sup> همچنین کالاهایی چون: طلا، نقره، عاج، سرب، چوب صندل و منسوجات مختلف توسط ایرانیان از هند و با مقدار کمتری از سرزمین‌های عربستان به سرزمین چین فرستاده می‌شد که در تواریخ دودمان چینی به کالاهای پوسی معروف شده بودند.<sup>۱۲</sup>

مسیر دیگری که مورد توجه دریانوردان عصر ساسانی قرار داشت سواحل شرقی آفریقا بود. کشتی رانی میان خلیج فارس و شرق آفریقا از زمان ساسانیان همواره رو به رشد بوده است. میان پادشاهان ساسانی و سلطان زنگبار روابط تجاری برقرار بوده است.<sup>۱۳</sup> آنها از آفریقا انواع چوب‌های گران بها و عاج به ایران می‌آوردند.<sup>۱۴</sup> بنادر ایرانی در تمام دوره ساسانی از رونق قابل توجهی برخوردار بود و اهمیت خود را در عصر اسلامی نیز حفظ کرد.

### ب: رونق تجارت و بازرگانی مسلمانان در خلیج فارس

ظاهراً با پیروزی اعراب مسلمان بر ساسانیان، آنها در توسعه فتوحات خود از نیروی دریایی ایران بهره فراوان گرفتند و با کمک ناخدایان ایرانی و استفاده از تجارب آنها به سوی سوماترا و چین حرکت کردند. اشاره منابع چین به تاشی (اعراب) و پوسی (ایرانی‌ها) به سال ۷۲۰ میلادی در شهر کانتون<sup>۱۵</sup>، نشان می‌دهد که چگونه پس از نیم قرن از سقوط دولت ساسانی، اعراب با بهره گرفتن از قدرت دریایی ایرانیان و سابقه کهن آنها در تجارت دریایی، خود را به کانتون رساندند. بسیاری از مورخان، دریانوردی مسلمانان در خلیج فارس و اقیانوس هند را تداوم منطقی دریانوردی ایرانیان از دوره ساسانی می‌دانند.<sup>۱۶</sup> توجه مسلمانان به امر دریانوردی و تجارت باعث رونق و گسترش بنادر سواحل جنوبی ایران شد. چنان که بنادری چون ابله، سیراف، کیش و هرمز برای مدت چند قرن، پیاپی بنادری بین‌المللی و مرکز ثروتمندترین بازرگانان و انبار کالاهای بسیار از سرزمین‌های چین، هند و آفریقا بود.<sup>۱۷</sup> در قرن دوم هجری با رونق و تحول جامعه اسلامی بازرگانی از مهم‌ترین ارکان زندگی اقتصادی گردید. بنادر مهم خلیج فارس به عنوان خط کشتی‌رانی به سوی چین به شمار می‌رفت. بازرگانان کالاها را عموماً به وسیله کشتی‌های کوچک از بنادر متعدد و شهرهای حاشیه‌ای دریا به بنادر بزرگ و لنگرگاه‌های مهم می‌آوردند و از آن جا این کالاها به وسیله کشتی‌های بزرگ به چین فرستاده می‌شد.<sup>۱۸</sup> بازرگانی در قرون اولیه اسلامی آن چنان رونق یافت که در ابتدا مسیحیان، یهودیان،

زرتشتیان و سپس اعراب مسلمان خود کار تجارت و بازرگانی را به دست گرفتند. موقعیت تجاری برخی از بندرگاه‌ها چون سیراف به گونه‌ای بود که بسیاری از بازرگانان در آنجا برای خود انبارهای مال‌التجاره داشتند. این بندر بزرگ خلیج فارس در قرن سوم و چهارم هجری قمری لنگرگاه بسیاری از کشتی‌های بزرگ و کوچکی بود که از بنادر چین و ماچین به این دیار حرکت کرده بودند. کالاهای انبار شده در این بنادر بزرگ به وسیله کشتی‌های کوچک به بنادر دیگر خلیج فارس حمل می‌شد و بعد، از این بنادر به وسیله کاروانهای تجاری از مسیرهای اصلی زمینی به بسیاری از مناطق جهان اسلام و سرزمین روم حمل می‌گردید.

سیراف (یا بندر طاهری امروز) از جمله بنداری بود که در قرن چهارم هجری یازدهم میلادی به عنوان یک بندر بین‌المللی از آن در خلیج فارس یاد می‌کنند. اهالی سیراف با چین، آفریقا، هند، سیلان و اندونزی رابطه بازرگانی داشتند. مقدسی در سال ۳۷۵ هجری قمری از سیراف به عنوان «درگاه چین و انبار فارس و خراسان»<sup>۱۹</sup> یاد می‌کند. امروزه گستردگی و انبوه جمعیت مسلمان در جنوب شرقی آسیا بیش از هر چیز مرهون تجارت شکوفای خلیج فارس و بازرگانان مسلمان در قرون چهارم و پنجم هجری / یازدهم و دوازدهم میلادی است.

مهرویان، جنابه، سیراف، کیش و هرمز از مهم‌ترین بندار خلیج فارس در عهد اسلامی هستند که شکوه و رونق اقتصادی هر یک از این بندار در طی قرون متمادی جبروت و جلال تمدن اسلامی را نمایانگر بود. اصطخری از بندر سیراف، به عنوان مهم‌ترین و بزرگترین شهر فارس به همراه عمارت‌های باشکوه و ثروت مردم آن شهر یاد می‌کند.<sup>۲۰</sup> در دوره آل بویه سیراف به عنوان بزرگترین بندر خلیج فارس ارتباط تجاری گسترده‌ای با سرزمینهای دیگر داشت. ابن بلخی ارزش کالاهای سیراف را در یک سال بالغ بر ۲۵۳۰۰۰۰ دینار می‌داند.<sup>۲۱</sup>

بقایای مسجد عظیم، خانه‌های باشکوه اعیان، انبارهای ذخیره آب شیرین، چشم‌انداز زیبای بندر و کناره‌های صاف ساحل برای استقرار و لنگر انداختن کشتی‌ها، که نگارنده در

جریان بازدید از سیراف می‌توان آنها را مشاهده کرد همه می‌تواند گویای شکوه سیراف در دوران عظمت خود باشد. زلزله بزرگ سیراف در سال ۳۶۶ ه‍.ق که هفت شبانه‌روز ادامه یافت باعث شد تا بسیاری از امارت‌های باشکوه آن ویران گردد و مردم و تجار بزرگ از این شهر کوچ کنند.<sup>۲۲</sup>

زلزله سیراف و ویرانی آن باعث شکوفایی کیش شد چرا که بازرگانان با کشتی‌ها و ثروت‌های خود به این جزیره کوچ کردند و موجب آبادانی و تجارت در این منطقه شدند. بازارهای کیش بسیار پررونق بود و کالاهای متفاوتی که توسط تجار به این بندر وارد می‌شد مورد معامله قرار می‌گرفت. صید مروارید و معامله آن از جمله اشیاء قیمتی و معروف خلیج فارس بود که خریداران بسیار داشت. بسیاری از جغرافی‌نویسان به صید مروارید در کیش اشاره کرده‌اند.<sup>۲۳</sup> مرکز صید مرواریدهای درشت و قیمتی را بیشتر در فاصله کیش تا خارک دانسته‌اند.<sup>۲۴</sup> اهمیت اقتصادی و تجاری مروارید خلیج فارس در درازنای تاریخ خود بر شکوه و اعتبار آن افزود.<sup>۲۵</sup>

با افول تدریجی موقعیت کیش، بندر هرمز اعتبار و اهمیت ویژه‌ای یافت، صنعت کشتی‌سازی هرمز، موقعیت خوب بندری آن، گسترده‌گی تجارت، جمعیت بسیار، ثروت انباشته، مدارای ملوک هرمز با تجار و ایجاد تساهل در امر تجارت بازرگانان خارجی بر رونق و شکوفایی آن افزوده بود. حتی در دوران آشفتگی سیاسی ایران در عصر مغول و تیموری هرمز به جهت استقلال نسبی ملوک خود از رونق و تجارت خوب برخوردار بود. چه بسا همین امنیت و آرامش یکی از عوامل تجمع ثروت و سرمایه توسط تجار در آن منطقه بوده است.

همین رونق و گسترش مبادلات تجاری و اقتصادی در هرمز از جمله عواملی بود که استعمارگران پرتغالی را به سوی این جزایر کشاند. توصیفاتى که خود اروپائیان از جزیره هرمز دارند گواه بر این است که چه عوامل اقتصادی و تجاری به همراه تجمع ثروت و جمعیت با توجه به موقعیت استراتژیکی جزیره هرمز سبب شد تا پرتغالیها

تصرف این جزیره را مهم‌ترین اقدام خود در خلیج فارس، دریای عمان تا مسیر هند به حساب آوردند.

### ج: آغاز عصر استعمار و درک اهمیت منطقه خلیج فارس برای استعمارگران

با آغاز عصر جدید و اکتشافات دریایی، خلیج فارس با توجه به پیشینه و اهمیت دیرینه خویش به سرعت مورد توجه استعمارگران پرتغالی قرار گرفت. مسأله رسیدن به هند در قرن ۱۵ میلادی، دست‌یابی به تجارت پیشین هزار ساله که اکنون به وسیله ترکان عثمانی از راه زمین مسدود شده بود، ابریشم، ادویه و... ذهن کنجکاو و منفعت طلب اروپایی را متوجه حرکت به غرب برای رسیدن به شرق از طریق دریا نمود. مسأله مسدود شدن راه زمینی جاده ابریشم مهم‌ترین انگیزه حرکت دو دولت دریانورد یعنی اسپانیا و پرتغال در مسیر دریاها شد. اقدام واسکودوگاما در دور زدن آفریقا به سال ۱۴۹۸م، او را متوجه اهمیت منطقه خلیج فارس نمود. جزیره بزرگ هرمز با موقعیت استراتژیکی خود در دهانه داخلی خلیج فارس طمع بیگانگان پرتغالی را برانگیخت.

ثروت‌ها و پیشینه تجاری هرمز به همراه مروارید خلیج فارس، عایدی خوبی از این جهت برای آنان به حساب می‌آمد. بی‌جهت نبود که آلبوکرک فرمانده نیروهای دریایی پرتغال به عنوان فاتح هرمز اذعان داشته بود که اقیانوس هند و خلیج فارس انگشتی است که نگین آن هرمز می‌باشد.<sup>۳۶</sup> درک صحیح از اهمیت تجاری و اقتصادی خلیج فارس توسط پرتغالیها سبب شد تا آنها برای احیاء امپراتوری دریایی خود در مسیر خلیج فارس و اقیانوس هند برای مدت یک قرن از سال ۹۱۳ ه.ق تا ۱۰۳۰ ه.ق جزیره هرمز را در اشغال خود بگیرند.

شاه عباس با همکاری کمپانی هند شرقی انگلیس موفق به تصرف قلعه هرمز و بیرون راندن پرتغالیها از آنجا شد. پرتغالیها اگر چه تا اواخر عهد صفوی در مسقط و سواحل جنوبی خلیج فارس حضور داشتند اما هیچ‌گاه دیگر موفق به تصرف هرمز نشدند.<sup>۳۷</sup> پس از اخراج پرتغالیها از هرمز، دولت ایران به تدریج گمرک هرمز را به



گمبرون منتقل کرد و در آنجا قلعه‌های تازه بنا نهاد و آن را شهر بندر عباس نامید. بدین طریق هرمز به سرعت اهمیت خود را از دست داد و پس از این تاریخ بندر عباس به عنوان مرکز تجارت خلیج فارس درآمد. هلندی‌ها، انگلیسی‌ها و فرانسوی‌ها در بنادر ایرانی به تجارت و تأسیس دارالتجاره اقدام کردند. حذف قدرت دریایی پرتغال سبب شده بود تا انگلیس که در بیرون کردن پرتغالیها با ایرانی‌ها همکاری کرده بود از این تاریخ در خلیج فارس قدرت بیشتری پیدا کند. اما نفوذ و گسترش قدرت هلندیها سبب شد تا به مرور، آنها قدرت خطرناکی برای انگلیس به حساب آیند.<sup>۲۸</sup>

شاه عباس، با کسب تجربه از موقعیت پرتغالیها در خلیج فارس مانع از آن شد که انگلیسی‌ها و هلندی‌ها در آبهای خلیج فارس به شکل قدرتی انحصاری درآیند. چنان که وی با تدبیر زیاد و از طریق دیپلماسی و حفظ موازنه قدرت انگلیس و هلند مانع از آن شد که قدرت‌های اروپایی به تصرف جزایر و مناطق ایرانی اقدام نمایند. در دوران جانشینان شاه عباس سیاست صفویان در خلیج فارس تابع رقابت شرکت‌های چندگانه هند شرقی اروپایی و نیز تحرکات راه‌زنی و شورشهای اعراب در دریا بود. این امر سیاست این سلاطین را در خلیج فارس دچار آشفتگی و نزلزل می‌کرد و از سوی دیگر میان کمپانی‌های هند شرقی مستقر در منطقه خلیج فارس برای کسب سود بیشتر رقابت و ستیز طولانی برقرار ساخت.<sup>۲۹</sup>

با روی کار آمدن نادرشاه (۱۷۳۰-۱۷۴۷ م) منافع بیگانگان و از جمله انگلستان در منطقه خلیج فارس و هند مورد تهدید قرار گرفت. نادر توجه خاصی به تجدید حاکمیت ایران بر سواحل خلیج فارس و دریای خزر می‌بذول می‌داشت. طرح وی ایجاد دو نیروی دریای قوی در جنوب و شمال کشور بود. در زمان وی مبارزه ایران و عثمانی بر سر تصاحب عراق عرب و بندر بصره آغاز شد. انگلیسها طرف عثمانی و هلندیها از ایران دفاع کردند. کمک هلندیها به نادرشاه دراجاره دادن کشتی‌های خود سبب شد تا ایران مسقط را تسخیر نماید. این پیروزی اخطاری بود برای انگلستان، زیرا نادرشاه، ناوگان دریایی شامل بیست تا سی کشتی که در اروپا و هند ساخته شده بود در خلیج فارس آماده

نمود. هم‌چنین در تلاش بود که در سواحل جنوب ایران مرکز کشتی‌سازی فراهم کند.<sup>۳۰</sup> شروع این اقدامات انگلیسها را به شدت نگران ساخت. آنها به خوبی دریافته‌اند اگر قدرت دریایی ایران در خلیج فارس افزایش یابد موقعیت تجاری خود را در تمام بنادر خلیج فارس از دست خواهند داد. بالاخص بعد از حمله نادر به هند، انگلیس از اقدامات نادر به شدت دچار وحشت شده بود. انگلیسها با ترقندی توجه نادرشاه را به دریای خزر معطوف داشتند. جان التون مأمور این کار شد تا ذهن نادر را نسبت به منافع انگلیس در خلیج فارس منحرف کند به این ترتیب نه تنها نظر نادرشاه را به شمال معطوف داشت بلکه دشمنی ایران و روسیه را افزایش داد و مشکلاتی برای ایران ایجاد کرد.<sup>۳۱</sup> با مرگ نادرشاه و قدرت‌یابی کریم خان، کمپانی هند شرقی انگلیس توانست از موقعیت استفاده و قراردادی را با کریم خان امضاء کند که طبق آن حق انحصاری ایجاد تجارت خانه را در بندر بوشهر به دست آورد. هم‌چنین از پرداخت عوارض گمرکی معاف گردید و حق انحصاری تجارت پارچه‌های پشمی را نیز به دست آورد. هم‌زمان با این تحولات عمال کمپانی هند شرقی انگلستان با ایجاد رابطه با شیوخ و حکام منطقه خلیج فارس آنها را بر ضد هلندیها تحریک کردند. این اقدامات سبب شد تا هلندیها تأسیسات خود را از جزیره بصره به خارک منتقل کنند.<sup>۳۲</sup> انگلیسی‌ها برای حذف رقبای تجاری خود در منطقه خلیج فارس به انواع ترفندها و سیاستها متوسل می‌شدند. به دنبال اعطای امتیاز کریم خان به انگلیسی‌ها مبنی بر آن که هیچ قدرت اروپایی دیگر تا زمانی که انگلیسی‌ها در بوشهر هستند اجازه افتتاح تأسیسات داده نخواهد شد سبب شد تا اقامتگاه نماینده سیاسی انگلیس به بوشهر منتقل گردد. تنها محدودیت کریم خان در این فرمان منع خروج طلا و نقره از کشور بود. هم‌چنین کریم خان شرکت هند شرقی را ملزم کرده بود به عوض کالاهای خود یعنی ادویه و پارچه‌های پشمی کالاها و مواد خام محلی را از ایران صادر کنند. این قرارداد و استقرار انگلیسها در بوشهر به شرکت هند شرقی امکان ادامه و ازدیاد سلطه بر خلیج فارس و هم‌چنین توسعه نفوذ در داخل خاک ایران را به آنها داد.<sup>۳۳</sup>

با آغاز قرن نوزدهم میلادی و شروع دوران حکومت قاجاریه، انگلستان با مسایل گوناگونی در خلیج فارس روبرو بود. تلاش‌های انگلستان برای بسط نفوذ و تسلط خود بر تمامی حوزه‌های خلیج فارس منجر به عقد قراردادهایی با عشایر عرب گردید. در سال ۱۸۲۰ م انگلیس با بستن زنجیره‌ایی از این پیمان‌ها با شیخ‌های خلیج فارس نفوذ سیاسی خود را گسترش داد و نماینده سیاسی انگلیس در بوشهر اعتبار یافت. بوشهر کانون حل مشکلات سیاسی میان دولت انگلیس و شیخ‌های عرب شد تا آن‌جا که به نماینده سیاسی انگلیس در بوشهر شاه بی‌تاج و تخت خلیج فارس می‌گفتند.

به تناسب حضور نیروی بریتانیا در خلیج فارس و کسب سود و منافع بی‌شمار از این ناحیه، وابستگی و درک و اهمیت موقعیت خلیج فارس برای انگلستان بیشتر می‌شد. در سال‌های آخر قرن نوزدهم میلادی با انتخاب لرد کرزن به عنوان نایب‌السلطنه هندوستان، سیاست انگلیس در خلیج فارس تحرک بیشتری یافت. به طوری که انگلستان مدعی حضور تمام عیار در خلیج فارس گردید. وی در رابطه با اهمیت خلیج فارس می‌نویسد:

نفوذ روس در خلیج فارس سبب ایجاد فتنه و اختلاف بسیار خواهد شد. چنانکه تفویض هر بندری در خلیج فارس از سوی هر دولتی که باشد خیانتی بزرگ به کشور انگلستان خواهد بود. نفوذ دولتها تجارت انگلیس از این منطقه را که برای آن میلیونها لیره خرج شده است را بر هم می‌زند.<sup>۳۴</sup>

در جریان رقابت گسترده روسیه و اهداف این دولت استعماری برای نفوذ در خلیج فارس و بهره‌مندی از منافع گسترده آن لرد کرزن حاضر به واگذاری امتیاز از سوی ایران به روسیه در خلیج فارس نبود.<sup>۳۵</sup> لردلزداون وزیر امور خارجه انگلیس نیز همان درک کرزن را از اهمیت خلیج فارس برای انگلستان داشت. وی در مجلس انگلستان اعلام کرد که انگلیس پایگاه دریایی یا ساخت استحکامات در یکی از بندرهای خلیج فارس از طرف هر دولت دیگری را تهدیدی برای مصالح بریتانیا به شمار می‌آورد و باید با همه وسایلی که در اختیار دارد در برابر آن برای حفظ خلیج فارس در ید انحصاری خود بایستد.<sup>۳۶</sup> این روند اگر چه بعد به تقسیم ایران در سال ۱۹۰۷ م میان روس و انگلیس

انجامید،<sup>۳۷</sup> اما نکته حائز اهمیت آن است که به جهت موقعیت خاص استراتژیکی خلیج فارس تمام نواحی جنوب ایران کاملاً در اختیار و نفوذ انگلستان باقی ماند. یکی از سیاست‌های مهم انگلستان برای حفظ منافع خود در جنوب ایران تقویت قدرت دست‌نشانده خود، شیخ خزعل بود. شیخ خزعل در واقع تأمین کننده تمامی منافع دولت انگلستان در جنوب ایران و خلیج فارس بود. بالاخص با کشف نفت نقش او چشمگیر و اساسی‌تر شد. کشف نفت و آغاز جنگ جهانی اول نگاه انگلیس به خلیج فارس و موقعیت حساس آن را دو چندان کرد.<sup>۳۸</sup>

#### **د: کشف نفت، اهمیت استراتژیکی خلیج فارس و نقش آن در معادلات نوین سیاسی**

در ۲۶ مه ۱۹۰۸ میلادی برابر با پنجم خرداد ۱۲۸۷ هـ.ش اولین چاه نفت در مسجد سلیمان کشف گردید. با این اکتشاف، ایران به عنوان اولین کشور منطقه خاورمیانه و خلیج فارس اهمیت جهانی پیدا کرد. از این تاریخ به بعد این منطقه در عرصه معادلات سیاسی قدرتهای بزرگ از اعتبار بیشتری برخوردار گردید. توجه به نفت به عنوان یک عنصر مهم نظامی، نگاه قدرت‌های بزرگ به این منطقه مهم دگرگون کرد. هنگامی که دولت انگلستان در سال ۱۹۱۳ میلادی تصمیم گرفت کشتی‌های جنگی خود را از سیستم ذغال سوز به موتورهای نفت سوز تبدیل کند اهمیت آن بیشتر شد. انگلستان که در آن وقت دارای بزرگترین ناوگانهای تجاری و جنگی در جهان بود با این اقدام توانست ظرفیت کشتی‌های خود را تا ۵۰٪ افزایش دهد. همچنین قدرت مانور و سرعت کشتی بیشتر می‌شد و حجم سوخت آنها کاهش می‌یافت. این اقدام نگرانی‌هایی برای انگلستان داشت. زیرا که در امپراطوری بزرگ انگلستان به جز در برمه اصولاً در جای دیگری نفت استخراج نمی‌شد و انگلیس وابسته به خرید نفت از سایر کشورها می‌گردید. اما این نگرانیها به مرور با تسلط و تحت کنترل درآوردن نفت ایران تا حدود زیادی مرتفع شد.<sup>۳۹</sup> توأم با اهمیت اقتصادی و سیاسی خلیج فارس و همچنین رقابت قدرتهای بزرگ جهانی در جریان جنگ جهانی اول (۱۹۱۴-۱۹۱۸ م) اهمیت نفت این ناحیه و نقش آن در

پیروزیهای بزرگ بیشتر نمایان می‌گشت تا جایی که کلمانسو نخست‌وزیر فرانسه در جریان جنگ جهانی اول از نفت به عنوان خون جبهه جنگ که پیروزی در نبرد را باعث می‌شود یاد کرد.<sup>۱۰</sup>

با توجه به این مسایل متوجه می‌شویم که منطقه خلیج فارس در سیاست خارجی انگلستان اهمیت مضاعف یافت. هم‌چنین وقوع انقلاب اکتبر روسیه در سال ۱۹۱۷ میلادی، انقراض امپراطوریهای آلمان، اتریش و عثمانی و نفوذ انگلستان بر مناطق حساس و مهم حاشیه خلیج فارس سبب شد تا در سالهای پس از جنگ جهانی اول موقعیت انگلستان در منطقه خلیج فارس بسیار قوی‌تر از دوران قبل از جنگ گردد. این کشور برای حفظ وضع استثنایی خود و به خصوص خنثی کردن تبلیغات ضد استعماری کمونیست‌ها درصدد تحمیل قرارداد ۱۹۱۹ و توثوق‌الدوله به ایران شد که بر اساس مفاد آن ایران از نظر نظامی، اقتصادی و سیاسی تحت الحمايه انگلستان در می‌آمد. اگر چه این قرارداد به تصویب نرسید اما سیاست انگلستان در ایجاد یک قدرت مستحکم داخلی و دست‌نشانده سرانجام به کودتای ۱۲۹۹ و روی کار آمدن رضاخان انجامید. در این میان انگلستان برای تأمین منافع بیشتر خود در خلیج فارس ناگزیر شیخ خزعل را قربانی رضا خان نمود تا با اعتبار بخشیدن به مهره خود زمینه‌های نفوذ بیشتر در ایران و بالاخص حفظ منافع نفتی خود بهره‌مند گردد.

با شروع جنگ جهانی در سال (۱۹۳۹-۱۹۴۵م) باردیگر اهمیت خلیج فارس در نبرد گروه‌های متخاصم بیشتر نمایان شد. در سال‌های اولیه جنگ منابع نفتی، انسانی و سایر منابع حاصل از مستعمرات در شرق به خلیج فارس اهمیت ویژه‌ای می‌داد. نگرانی انگلیس بیشتر از آن جهت بود که با پیروزیهای آلمان در شوروی و سپس تصرف منابع نفتی باکو، آلمان از طریق ایران به راحتی بر منابع عظیم نفتی خلیج فارس دست یابد و آن گاه کار مبارزه با آلمان بسیار دشوار خواهد شد. بنابراین تنها راه شکست آلمان جلوگیری از پیروزی او در فتح شوروی بود. تنها راه کمک به شوروی از طریق خلیج فارس و ایران بود. بنابراین متفقین سیل کمکهای نظامی و غذایی خود را از طریق بنادر خلیج فارس و

راه زمینی ایران به شوروی ارسال داشتند و با این اقدام آلمانها را در جبهه شوروی شکست دادند. اطلاق پل پیروزی به ایران در جنگ جهانی دوم نتیجه وجود خلیج فارس و دست‌یابی ایران به این آب‌راه بزرگ بین‌المللی بود.

پس از جنگ دوم جهانی و حضور دو قدرت بزرگ آمریکا و شوروی در عرصه رقابت‌های جهانی مسأله لزوم حفاظت از تنگه‌ها و گذرگاه‌های خلیج فارس دو قدرت بزرگ را بر آن داشت تا با ایجاد پایگاه‌های مختلف و کسب تسهیلات نظامی در مجاورت این نقاط حساس بین‌المللی سلطه خود را بر این ناحیه اعمال نموده و این ناحیه را به صورت جزئی از منافع ملی و نقاط استراتژیک خود تلقی نمایند. جریانات جنگ جهانی دوم به خصوص ضعف نظامی و اقتصادی شدید متفقین و وابستگی مطلق آنها به کمک‌های آمریکا و هم‌چنین طرح مارشال در کمک به کشورهای جنگ زده موجب برتری و نفوذ آمریکا در صحنه بین‌المللی شد. این برتری بر روابط آمریکا و انگلیس در ایران نیز تأثیر گذاشت تا آنجا که با اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰ ه.ش از نفوذ انگلستان به تدریج کاسته شد و در فاصله سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۳ ه.ش کشور ایران از یک منطقه تحت نفوذ انگلستان به منطقه‌ای تحت نفوذ آمریکای تبدیل شد. ملی شدن صنعت نفت اگر چه در کاهش نفوذ انگلستان بر خلیج فارس بسیار مؤثر و کارآمد بود. اما با کودتای ۲۸ مرداد و افزایش قدرت آمریکا و هم‌چنین ضرورت توجه به انرژی نفت به خاطر رونق و توسعه صنعت، مسأله ایران، خلیج فارس و نفت از اهمیت بیشتری برای غرب و بالاخص آمریکا برخوردار گردید. این آغاز رقابت گسترده و نوین دولت‌های استعماری در منطقه خلیج فارس بود. موقعیت خاص جغرافیایی، ثروت زیاد و بازار مصرف مناسب و از همه مهم‌تر ثروت نهفته بی‌کران نفت و گاز توجه قدرت‌های بزرگ به این منطقه را بسیار زیاد کرد. از دیدگاه قدرت‌های بزرگ، خلیج فارس یکی از مناطق پنج‌گانه استراتژی و بزرگترین حوزه نفتی جهان است. منابع نفت خلیج فارس بسیار نزدیک به سطح زمین است و بسیار ارزان تولید می‌شود و چون میدان نفتی نزدیک به ساحل قرار دارد هزینه انتقال نفت نیز اندک است این مقولات از ویژگی‌های مهم حوزه خلیج فارس است.<sup>۱۱</sup> ذخائر نفت منطقه خلیج

فارس به آن اهمیت ویژه‌ای بخشیده، چنان‌که مسأله انرژی در این منطقه نقش کلیدی را در اقتصاد جهانی بازی می‌نماید.

نفت خلیج فارس تأمین‌کننده منافع نظامی آمریکا در خاورمیانه و همچنین جنوب غربی آسیا می‌باشد. منابع درآمدی متنوع آمریکا در خلیج فارس سبب می‌گردد تا آمریکا به حفظ و موقعیت پایگاه‌های نظامی خود در منطقه بیشتر اهمیت دهد و مهم‌تر آنکه بسیاری از این پایگاه‌ها را نیز برای حفظ منافع خود در خلیج فارس هم‌چنان قوی نگاه می‌دارد.

موقعیت ذخائر گازی این ناحیه نیز کمتر از نفت نیست چنان‌که ایران به عنوان دومین دارنده منابع گازی جهان از اهمیت زیادی در منطقه خلیج فارس برخوردار است. وجود این اهمیت اقتصادی و ژئوپولیتکی در منطقه خلیج فارس سبب شده تا به دنبال فروپاشی اتحاد شوروی آمریکا بیش از هر منطقه‌ای به ناحیه خلیج فارس توجه کند. جدا از این اهمیت، مسأله وقوع انقلاب اسلامی و تهدید منافع آمریکا در خلیج فارس توسط ایران سیاست‌های دیرینه این کشور را نسبت به خلیج فارس دچار دگرگونی و تحول ساخته و اطمینان خاطر آمریکا را از ژاندارم منطقه بودن ایران از بین برده است. آن جزیره ثبات که کارتر برای حفظ منافع آمریکا از ایران یاد کرده بود آن چنان سیاست استعمارستیزی را با خود در پیش گرفت که برای قدرتهای بزرگ قابل باور نبود. طراحان سیاست خارجی آمریکا از هنگام وقوع بحران انرژی در دهه ۱۹۷۰ آشکارا بر این امر اذعان داشتند که آمریکا می‌بایست برای دست‌یابی به سلطه جهانی، کنترل نفت منطقه خلیج فارس را در دست بگیرد.

بعد از جنگ خلیج فارس آمریکا برای ارتقاء سطح ثبات و گسترش نفوذ خود در منطقه خلیج فارس چندین سیاست را دنبال کرده است. از جمله گسترش توانایی نظامی کشورهای مدافع سیاستهای آمریکا که این امر به سرازیر شدن ثروت این کشورها برای خرید تسلیحات به آمریکا منجر شده است. سیاست دیگر آنکه آمریکا پیوندهای نظامی خود را با کشورهای حوزه خلیج فارس محکم کرد و حضور خود در شبه جزیره عربستان

را حفظ نمود. این حضور به صورت مأموریت‌های آموزشی، به کارگیری مداوم نیروی دریایی خاورمیانه آمریکا در خلیج فارس، به کارگیری دوره‌ای واحدهای هوایی و دریایی برای تمرینهای مشترک و ... صورت می‌پذیرفت. مهم‌ترین سیاست آمریکا تحکیم موقعیت اسرائیل در منطقه و جلوگیری از هر گونه اقدام مشترک بر ضد اسرائیل بود که آمریکا در روابط خود با کشورهای عربی دنبال می‌کند.<sup>۴۲</sup>

در سراسر سالهای اخیر به ویژه پس از جنگ خلیج فارس نفوذ و حضور ارتش آمریکا در خلیج فارس و مناطق اطراف آن از شاخ آفریقا گرفته تا آسیای مرکزی رو به افزایش بوده است. دولت بیل کلینتون تصور می‌کرد در صورت حمله به افغانستان و تصرف منطقه نفتی دریای خزر می‌تواند از آن منطقه به عنوان رقیبی برای خلیج فارس استفاده کند و در نتیجه آمریکا از وابستگی شدید به نفت خلیج فارس به گونه‌ای نسبی آزاد شود و بتواند با دست بازتر در مسائل نفتی عمل کند.<sup>۴۳</sup> مهم‌تر از آن حمله به عراق و تصرف این کشور جزو سیاست‌های دیرینه آمریکا برای حضور و تسلط بر ناحیه خلیج فارس بوده است. بنابراین به رغم حضور گسترده آمریکا در خلیج فارس و ساقط نمودن حکام دو کشور افغانستان و عراق و ایجاد پایگاه‌های متعدد ثابت و متحرک نظامی، امکان اتخاذ هر گونه طرحی را به منظور تأمین امنیت منطقه خلیج فارس را که از حقوق مسلم کشورهای ساحلی و به ویژه ایران است را از آنان سلب کرده است.

این مسائل تماماً در راستای ایجاد بحران، ناامنی و تداوم حضور آمریکا در منطقه خلیج فارس برای تأمین منافع دیرینه و از پیش تعیین شده صورت می‌گیرد. در راستای همین سیاستهای استعماری، ایران پس از انقلاب اسلامی بزرگترین مانع جهت دستیابی آمریکا به اهداف خود بوده است.

بسیاری از سیاست‌های آمریکا برای ایجاد رابطه با ایران و یا حتی کنترل قدرت ایران در تاریخ انقلاب اسلامی هیچ‌گاه به ثمر نرسیده است. هوشیاری، دقت نظر و حفظ منافع ملی ایرانیان سبب شده است تا ایران به عنوان بزرگترین مانع اهداف استعماری آمریکا در خلیج فارس از آغاز انقلاب اسلامی تا کنون به شمار آید. سیاستهای دیرینه و



دراز مدت آمریکا برای تسلط بر منطقه خلیج فارس با سیاست‌های ایران بعد از انقلاب اسلامی کاملاً بر هم ریخته و برنامه‌های درازمدت آنها دچار چالش‌های عمیق گشته است. آمریکا خود به خوبی دریافته است با وجود ایران از خلأ قدرت منطقه خلیج فارس نمی‌تواند بهره لازم را ببرد. بنابراین با ترفندهای سیاسی بسیار در صدد منزوی کردن و تحت فشار قرار دادن ایران در صحنه بین‌المللی برآمده است.

### نتیجه‌گیری

اهمیت تاریخی منطقه خلیج فارس با توجه به نقش ارزشمندی که در تمدن و فرهنگ تاریخ ایران از گذشته تا به حال داشته قابل تأمل و بررسی است. قسمتی از موفقیت‌های حکومت‌های ایران باستان در نتیجه تسلط آنها بر منطقه خلیج فارس و ارتباط با سرزمین‌های اطراف آن بوده است.

شکوه، ثروت و رونق بنادر خلیج فارس نشانه عظمت و اقتدار خلافت اسلامی در قرن چهارم و پنجم هجری بود. رونق و ارتباط تجاری بنادر خلیج فارس با خاور دور تنها عامل گسترش اسلام از طریق تجار مسلمان به این سرزمین‌ها بود. اهمیت منطقه خلیج فارس با آغاز عصر استعمار برای تمامی دول کشورهای اروپایی زمینه کشاکش و رقابت آنها را برای تسلط بیشتر بر این منطقه فراهم آورد. با کشف ذخایر نفت و گاز در منطقه خلیج فارس و اثبات وجود در صد بالایی از ذخائر نفتی جهان در این منطقه، به همراه وابستگی کشورهای بزرگ صنعتی به این ذخائر سبب شدتاً خلیج فارس به عنوان بزرگترین انبار انرژی دنیا و مرکز ثقل خاورمیانه، اهمیت زیادی برای توسعه طلبی استعمار و آمریکا داشته باشد. امروزه ایران نقش تعیین کننده‌ای در مبادلات سیاسی منطقه دارد. سیاست‌های دیرینه آمریکا بر ضد ایران از آغاز انقلاب اسلامی بی‌شک ناشی از نگرانی آمریکا از توانمندی‌های موجود و دسترسی بیشتر ایران بر ذخائر انرژی منطقه خلیج فارس است.

## یادداشت‌ها

- ۱- ویلسون، سرآرتولد، خلیج فارس، ترجمه محمد سعیدی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۶، ص ۸۵
- ۲- پیرنیا، حسن، ایران باستان، ج ۱، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۷۳، ص ۱۵۷.
- ۳- سحاب، عباس، «خلیج فارس در نقشه‌های کهن»، مجموعه مقالات سمینار بررسی مسائل خلیج فارس، تهران، دفتر مطالعات خلیج فارس، ۱۳۶۷، ص ۳۰۴.
- ۴- افشار سیستانی، ایرج، نام خلیج فارس بر پایه اسناد تاریخی، تهران، صدیقی، ۱۳۷۲، ص ۸۶
- ۵- هرودوت، تواریخ، ترجمه وحید مازندرانی، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۸، صص ۲۲۴ و ۲۲۶.
- ۶- مشکور، محمدجواد، ایران در عهد باستان، تهران، اشرفی، ۱۳۵۷، ص ۲۶۸.
- ۷- اصفهانی، حمزه، تاریخ پیامبران و شاهان، ترجمه جعفر شعار، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۶۴، صص ۴۴-۴۶ و ۵۴-۵۵.
- ۸- شوشتری، عباس، ایران‌نامه یا کارنامه‌ی ایرانیان در عصر ساسانیان، آسیا، تهران، ۱۳۵۲، ص ۲۰۳.
- ۹- رابین، اسماعیل، دریانوردی ایرانیان، ج اول، تهران، چاپ زیبا، ۱۳۵۶، ص ۲۵۵.
- ۱۰- اقتداری، احمد، از دریای پارس تا دزیای چین، تهران، شرکت ایران، ۱۳۶۴، ص ۶۳.
- ۱۱- گذار، آندره، هنر در ایران، ترجمه بهروز حبیبی، تهران، دانشگاه تهران، ص ۳۰۲.
- کریستی ویلسن، تاریخ صنایع ایران، ترجمه عبدالله فریار، تهران، توس، ۱۳۵۹، صص ۱۱۵-۱۱۶.
- ۱۲- حسن، هادی، سرگذشت کشتی‌رانی ایرانیان از دیرباز تا قرن شانزدهم میلادی، ترجمه امید اقتداری، آستان قدس، مشهد، ۱۳۷۱، ص ۱۳۲-۱۳۳.
- ۱۳- فهمی، عبدالعزیز، ایرانی‌ها و شرق آفریقا، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۷، ص ۱۰.
- ۱۴- اکبری، امیر، تاریخ اجتماعی ایران در عصر ساسانیان، مشهد، محقق، ۱۳۸۲، ص ۲۲۶.

- ۱۵- حسن، هادی، همان، ص ۱۶۰.
- ۱۶- تکمیل همایون، ناصر، «اسلام و تداوم نقش فرهنگی ایران در خلیج فارس». مجموعه مقالات سمینار بررسی مسائل خلیج فارس، تهران، ۱۳۶۷، ص ۱۸۳.
- ۱۷- ویلسون، همان، ص ۶۴.
- ۱۸- حورانی، جرج، دریانوردی عرب، ترجمه مقدم، تهران، فرانکلین، ۱۳۳۸، ص ۸۹.
- ۱۹- مقدسی، محمد بن احمد، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ترجمه علینقی منزوی، تهران، مترجمان ایران، ۱۳۶۱، جلد ۲، ص ۶۳۶.
- ۲۰- اصطخری، ابواسحاق ابراهیم، مسالک و ممالک، تهران. بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۷، ص ۲۱۱.
- ۲۱- ابن بلخی، فارسنامه، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۴۸، ص ۵۴.
- ۲۲- محمد قراگوزلو، «لنگرگاه خلیج فارس» مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۸۴-۱۸۳، (س ۱۷، ۱۳۸۱)، ص ۱۳۷.
- ۲۳- ابن بطوطه، سفرنامه ابن بطوطه، ترجمه محمد علی موحد، تهران، آگه، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۳۳۶.
- ۲۴- مستوفی، حمدا...، نزهة القلوب، به اهتمام لسترنج، تهران، دنیای کتاب، ص ۲۳۴.
- ۲۵- کرسٹین سن، آرتور، ایران در زمان ساسانیان، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۷۰، ص ۱۹۱.
- ۲۶- اقتداری، احمد، «هرمز و جنگ دریایی امام قلی خان سردار شاه عباس»، بررسیهای تاریخی، شماره ۵، سال دوازدهم، ص ۹۲.
- ۲۷- فلسفی، نصرالله، زندگانی شاه عباس اول، جلد چهارم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۳، ص ۲۲۳.
- ۲۸- طلوعی، محمود، نبرد قدرتها در خلیج فارس، تهران، ۱۳۶۶، ص ۵۴.
- ۲۹- نوائی، عبدالحسین، ایران و جهان از مغول تا قاجاریه، تهران، نشر هما، ۱۳۶۶، ص ۳۰۱.
- ۳۰- مهدوی، هوشنگ، تاریخ روابط خارجی ایران، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۹، ص ۱۷۱.

- ۳۱- همان کتاب، ص ۱۷۲.
- ۳۲- فلور، ویلم، هلندیان از جزیره خارک (خلیج فارس)، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران، توس، ۱۳۷۷، ص ۲۶.
- ۳۳- الهی، همایون، خلیج فارس و مسایل آن، تهران، قومس، ۱۳۷۲، ص ۶۷.
- ۳۴- کرزن، جرج، ایران و قضیه ایران، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، ج ۲، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳، ص ۵۵۵.
- ۳۵- کاظم زاده، فیروز، روس و انگلیس در ایران، ترجمه منوچهر امیری، تهران، انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱، ص ۴۱۶.
- ۳۶- پرتو، افشین، «سفر لرد کرزن به خلیج فارس»، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، س ۱۷، (۱۳۸۱)، شماره ۱۸۴-۱۸۳، ص ۱۲۵.
- ۳۷- هروی، جواد، «قرارداد ۱۹۰۷ و تقسیم ایران میان روس و انگلیس» مجله سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۵۲-۱۵۱، ص ۶۸.
- ۳۸- دولت آبادی، یحیی، حیات یحیی، ج ۴، تهران، ابن سینا، ۱۳۲۷، ص ۳۲۶.
- ۳۹- الهی، همان‌جا، ص ۸۴.
- ۴۰- همان‌جا، ص ۸۴.
- ۴۱- موسوی، میرطیب، «حمله آمریکا به افغانستان و مسائل داخلی ایالات متحده»، مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۷۸-۱۷۷، ص ۱۳۷.
- ۴۲- سایمون، استیون، «استراتژی آمریکا در خلیج فارس»، ترجمه قاسمی، مجله سیاسی دفاعی، سال اول، زمستان ۱۳۷۱، ص ۲۳.
- ۴۳- موسوی، همان، ص ۱۳۸.